

ماه خانواده

قبل ترها هر موقع حالم گرفته بود یا از چیزی خسته می شدم و اعصابم به هم می ریخت، پس ذهنم به يك چیزی فکر می کردم که خیالم را راحت می کرد. در ذهنم اسمش را گذاشته بودم «دل خوشی». این دل خوشی يك جورهایی زمین سفت من بود. خیالم تخت بود که آنجا حالم بهتر خواهد شد و هیچ وقت پشتم خالی نمی شود. نه اینکه همیشه لی لی به لالای من بگذارند و لوس و نر باشم، اما هوایم را دارند. مرا دوست دارند و این محبت خاطر من را جمع می کرد. هنوز هم همین طور است. هنوز هم يك استکان چایی کنار پدر و مادر و خانواده، با چاشنی يك گپ و گفت عصرگاهی و تعریف از اتفاقات روزانه، همان چیزی است که خستگی عالم را از من دور می کند.

يك چیزهایی هیچ وقت قدیمی نمی شوند. هیچ موقع از مد نمی افتند. شنیده اید که قالی کرمان هر چقدر قدیمی تر می شود، ارزشش هم بالاتر می رود؟ بالاخره يك چیزهایی هم این طوری هستند؛ یعنی اتفاقاً قدیمی تر شدنشان بالارزش ترشان هم می کند. بین ما ایرانی ها خیلی چیزها این طوری هستند، اما مهم ترینشان خانواده است. خانواده زمین سفت همه ماست؛ جایی پر از مهر و محبت و آرامش؛ جایی برای خوب بار آمدن و رشد کردن. الان مد شده که همه می خواهند ره صدساله را یک شبیه برونند. ما ایرانی ها سال هاست این فناوری را در اختیار داریم. خرجش يك نگاه محبت آمیز به پدر و يك بوسیدن دست مادر است. خرجش يك دعای خیر آن هاست. معجزه ها می کند. آدم را پرواز می دهد. همین دعای خیر پدر و مادر است که آدم را حاج قاسم سلیمانی می کند. روز پدر و روز مادر مبارك! ماه خانواده مبارك!